

تحلیل بافت مشروعیتی گفتمان جنگ تحمیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۳/۹

فاطمه طاهرخانی*

مقاله حاضر، بی‌آنکه منابع مشروعیت‌بخش فرازبانی را انکار کند، در پی بررسی کاربرد انواع روش‌های مشروعیت‌بخشی از طریق زبان به کنش‌ها و اعمال سیاسی در طول جنگ تحمیلی است. به عبارت دیگر، با مفروض پنداشتن قابلیت‌های زبان در تولید مشروعیت برای اعمال و کنش‌ها، پرسش آن است که: کنش‌گران میدان سیاست، از چه شیوه‌هایی برای تولید مشروعیت کلامی تصمیمات و اعمال مرتبط با جنگ بهره جستند؟ بدیهی است تحلیل گفتمان با رویکرد متن‌محور، روش مناسبی برای انجام این تحقیق است؛ درعین حال می‌توان از تحلیل گفتمان به‌عنوان مبنای نظری پژوهش نیز بهره جست. از این رو، متن‌هایی که از سوی کنش‌گران دوره جنگ تحمیلی تولید شده‌اند، به سه ژانر دفاع، جهاد و صلح قابل تقسیم‌اند. همچنین در خلال پژوهش، به بافت درون‌متنی، میان‌متنی، موقعیتی و تاریخی هر یک از ژانرها و نیز استراتژی‌های شیوه‌های مشروعیت‌بخشی زبانی در هر یک از آنها توجه شده است. مطالعه گفتمان جنگ از این منظر، مؤید تنوع و تکثر روشی در تولید مشروعیت‌های کلامی از سوی کنش‌گران حاضر در میدان سیاسی است.

کلیدواژگان: ژانر، مشروعیت، بافت، گفتمان، انقلاب اسلامی.



مقدمه

نقطه کانونی این تحقیق بر اهمیت و نقش گزاره‌های زبانی در مشروعیت‌زایی یا مشروعیت‌زدایی از کنش‌های سیاسی است. از این منظر، متون سیاسی که در دفاع مقدس تولید شده‌اند، باید با توجه به امکاناتی که برای تولید مشروعیت در اختیار می‌نهند، بررسی شوند. به عبارت دیگر، جنگ تحمیلی رویدادی بود که بر نظام سیاسی موجود، ساختار میدان سیاسی و ترکیب و نوع کنش‌گران حاضر در آن اثر گذاشت. در بطن این رویداد و در نحوه وقوع آن، زبان به‌عنوان مجرای ظهور سیاست نقش مهمی ایفا کرد. در واقع زبان در جنگ به محملی برای خلق و تولید معنای کنش‌های جنگی بدل گشت. چنانچه متون مربوط به این واقعه ارزیابی و دوباره خوانش شوند، سرشار از گزاره‌های متنوعی به نظر می‌رسند که امکان فصل‌بندی در سامانه‌های معنایی جدید را برای مشروعیت‌یابی به کنش‌های سیاسی حال حاضر دارا هستند.

از این منظر، هدف کلی تحقیق، بررسی انواع شیوه‌های گفتاری تولید مشروعیت در گفتمان جنگ است. جنگ، واقعیتی است که آغاز آن در شهریور ۱۳۵۹ موجب خلق گفتمان جدیدی شامل مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی شد که بر مجموعه کنش‌های بعدی میدان سیاست و نیز مجموعه نهادها و روابط میان آنها مؤثر بود. واقعیت جنگ شامل مجموعه‌ای از کنش‌های سیاسی - اجتماعی، نظامی، سبک‌های گفتاری و نوشتاری با موضوع جنگ، کنش‌گران درگیر و بازنمایی آنها از فضا و زمان جنگ است. همچنین گفتمان جنگ مجموعه متون گفتاری و نوشتاری در نظر گرفته می‌شود که در وضعیت جنگی تولید شده‌اند و بازنمایی واقعیت جنگ را برعهده دارند. این گفتمان شامل سه ژانر مقاومت، جهاد و صلح است. ژانر مقاومت، دربرگیرنده متون بازتاب‌دهنده مجموعه مشابه و هماهنگی از کنش‌های فیزیکی و گفتاری است که هدف همگی آنها دفاع از میهن در برابر تجاوز کشور بیگانه بوده است. بازه زمانی این ژانر را می‌توان از شهریور ۱۳۵۹ یعنی آغاز تهاجم عراق به خاک ایران تا خرداد ۱۳۶۱ هم‌زمان با آزادسازی خرمشهر در نظر گرفت. ژانر جهاد نیز شامل مجموعه متونی است که بازتاب دهنده اعمال و رویدادهایی است که با تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر، از ۱۳۶۱ تا شروع زمزمه‌های ضرورت پایان جنگ در ۱۳۶۵ را شامل می‌شود. در نهایت ژانر صلح نیز بیانگر مجموعه متون بازتاب دهنده اعمال و کنش‌های سیاسی - نظامی مربوط به دو سال پایانی جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد است. در این مقاله تلاش بر آن است که در هر ژانر،



مهم‌ترین متونی انتخاب شوند که بیانگر روابط سیاسی و موقعیت عینی حاکم بر زمان خویش هستند؛ سپس شیوه‌های کلامی که در این متون برای مشروعیت‌بخشی به اعمال سیاسی استفاده شده است. بر مبنای شیوه‌های مشروع‌سازی‌های به‌کاررفته در هر ژانر، استراتژی‌های گفتاری متون نیز استخراج می‌شود. استراتژی‌ها معرف اهداف سیاسی‌ای هستند که تولیدکننده متن به دنبال تحقق آنها بوده است. در نهایت، جمع‌بندی این داده‌ها به ما در تعیین مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان جنگ یاری می‌رساند.

روش تحقیق

رویکرد گفتمانی - تاریخی روث ووداک (Roth Wodak)، روشی است که متون را در زمینه تاریخی که تولید شده‌اند، قرار می‌دهد و به تحلیل محتوای آنها می‌پردازد و در نهایت، استراتژی‌ها و فرایندهای گفتاری را که برای خلق مشروعیت به‌کاررفته‌اند، شناسایی می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده این روش، تلاشی است که به‌گونه‌ای چندروشی بر اساس تنوع داده‌های تجربی و اطلاعات موجود، برای کار با رویکردهای مختلف ارائه می‌دهد (Wodak, 1998). برای تحقیق در متن‌ها و موضوع‌های سیاسی، سازمانی و تاریخی، رویکرد گفتمانی - تاریخی می‌کوشد حجم عظیم دانش موجود را درباره منابع تاریخی و پیشینه حوزه‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که «رویدادهای» گفتمانی در آنها جای گرفته‌اند، با هم ادغام کند. افزون بر این، رویکرد گفتمانی - تاریخی، بعد تاریخی کنش‌های گفتمانی را با کاویدن شیوه‌هایی تحلیل می‌کند که در آن شیوه‌ها، گونه‌هایی خاص از گفتمان، دستخوش تغییر تاریخی (در - زمانی) هستند. سرانجام مهم‌ترین نکته این است که اینها فقط به‌منزله «اطلاعات» دیده نمی‌شوند و با نظریه‌های اجتماعی تلفیق می‌گردند تا توانایی تبیین بافت حاصل آید.

در این رویکرد، فرض این است که رابطه‌ای دیالکتیکی میان اعمال گفتمانی خاص و حوزه‌های کنش مشخص (مانند وضعیت‌ها، ساختارهای اجتماعی و چارچوب‌های نهادی) وجود دارد؛ حوزه‌های کنشی که اعمال گفتمانی در آن جای گرفته‌اند. از طرفی، موقعیت‌های اجتماعی، نهادی و وضعیتی، «گفتمان» را شکل می‌دهند و بر آن اثر می‌گذارند و از سوی دیگر، گفتمان‌ها بر کنش‌ها و روندهای سیاسی و اجتماعی گفتمانی و غیرگفتمانی اثرگذارند. به بیان دیگر، گفتمان‌ها را به‌منزله اعمال اجتماعی زبانی، می‌توان مقوم اعمال اجتماعی گفتمانی و غیرگفتمانی و هم‌زمان قوام‌یافته از سوی آنها دانست. در این رویکرد، گفتمان را می‌توان انبوهه‌ای پیچیده از کنش‌های زبانی مرتبط متوالی و



مقارن برشمرد که خود را از درون و از خلال حوزه‌های کنش اجتماعی آشکار می‌کنند؛ حوزه‌هایی که به‌منزله علامت‌های نشانه‌ای نوشتاری یا گفتاری از نظر مضمون به هم مربوطاند و اغلب به‌عنوان «متن» به انواع یا همان گونه‌های نشانه‌ای مشخص تعلق دارند (Girnth, 1996). گفتمان‌ها گشوده و آمیخته بوده، به‌هیچ‌وجه نظام‌هایی بسته نیستند؛ زیرا موضوع‌های جدید می‌تواند پدید آید و میان‌متنی‌بودن و میان‌گفتمانی‌بودن حوزه‌های کنش جدیدی را ممکن سازد. گفتمان‌ها در ژانرها و متن‌ها درک می‌شوند (Wodak, 2001, 64). مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد گفتمانی - تاریخی تحلیل انتقادی عبارت‌اند از: میان‌رشته‌ای بودن، مسئله‌محوری به جای توقف بر آیت‌های زبان‌شناسی، استفاده از نظریات برای تبیین و فهم بهتر موضوع، مطالعه ژانرهای گوناگون و میدان‌ها و فضاها عمومی گوناگون و روابط درون‌گفتمانی و درون‌متنی و توجه به زمینه تاریخی برای ارائه تفسیر از متون و بافت‌ها (Wodak, 2001, p62-64). مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در این روش عبارت‌اند از: متن، بافت، ژانر و استراتژی. «متن» را می‌توان محصول کنش‌های زبانی دانست که به‌لحاظ محتوایی ماندگارند (Graefen, 1997). «ژانر» را به‌پیروی از فرکلاف می‌توان این‌گونه توصیف کرد: استفاده مرسوم شده و کمابیش و اجمالاً ثابت از زبان در پیوند با فعالیت خاص، یا «شیوه‌ای اجتماعی و تأییدشده از استفاده از زبان در رابطه با نوع مشخصی از فعالیت اجتماعی» (Fairclough, 1995, p14). همچنین، رویکرد تاریخی - گفتمانی بر مفهومی از «بافت» مبتنی است که چهار سطح را در نظر می‌گیرد. اولی توصیفی است، ولی سه سطح دیگر بخشی از نظریه‌های ما درباره بافت است:

۱. فضای بی‌واسطه درون‌متنی یا درون‌زبانی؛
۲. رابطه میان‌گفتمانی و میان‌متنی بین پاره‌گفتارها، متن‌ها، ژانرها و گفتمان‌ها؛
۳. متغیرهای اجتماعی/جامعه‌شناختی فرازبانی و چارچوب‌های خاص و نهادی «بافت موقعیت» (نظریه‌های میان‌گستره)؛
۴. بافت‌های تاریخی و اجتماعی - سیاسی گسترده‌تر که اعمال گفتمانی در آن جای گرفته و با آن مرتبط‌اند (نظریه‌های «کلان»).

همچنین، منظور از «استراتژی» عموماً برنامه‌های کمابیش دقیق و کمابیش عمدی اعمالی (از جمله اعمال گفتمانی) است که برای دست‌یافتن به هدفی اجتماعی، سیاسی، روانی یا زبانی به کار می‌روند. تا آنجا که به استراتژی‌های گفتمانی مربوط است، یعنی شیوه‌های نظام‌مند استفاده از زبان، آنها در سطوح گوناگون پیچیدگی و سازمان‌زبانی جای

می‌گیرند (Wodak, 2001, p70). به‌طور کلی، ووداک چهار نوع ابرکارویژه اجتماعی را برای هر گفتمان در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: حذف، بازآرایی، انتقال و افزایش. بر پایه این ابرکارویژه‌های اجتماعی، می‌توان چهار نوع ابراستراتژی‌های سازنده (شامل آن کنش‌های زبانی می‌شوند که در اسناد ما گروه‌های ویژه‌ای را می‌سازند و پدید می‌آورند و به تعیین هویت و همبستگی با گروه «ما» و به حاشیه‌رانی گروه «آنها» دلالت می‌کنند)، مخرب (تخریب وضعیت موجود و نیز گفتمان‌های مخالف)، جاودان‌ساز (حفظ، حمایت و بازتولید هویت‌ها) و تبدیل‌گر (تبدیل یک وضعیت مقرر و ثابت به موقعیت‌هایی که گوینده و نویسنده همیشه از آن یک تصویر می‌سازند) برای هر گفتمان تعریف کرد. منظور از استراتژی‌ها، طرح‌های کنش با درجات متفاوتی از پیچیدگی هستند. استراتژی‌ها ادراک و فهمی هستند که می‌توانند از سطح غیرارادی به هوشیاری و خودآگاهی حرکت کنند و در سطوح مختلف سازمان ذهنی ما مستقر شوند (Van leeuwen, Wodak, 1999).

به دلیل زمینه تاریخی موضوع مورد مطالعه و نیاز به تحلیل محتوای متون دوره مورد بحث (۱۳۵۹-۱۳۶۷) روش تحلیل تاریخی - گفتمانی مناسب‌ترین روش تحلیل گفتمانی به نظر می‌رسد. همچنین در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. ابتدا به فراخور بازه زمانی موضوع مورد مطالعه، متون آن دوره به‌اجمال بررسی شده‌اند و آنها که پیوستگی میان جنگ و میدان سیاست را بازنمایی کرده‌اند، در اولویت قرار گرفته‌اند. سپس بر مبنای ویژگی‌های هر ژانر، ده متنی که بیشترین شباهت را با آن ویژگی‌ها داشته‌اند، به‌عنوان نمونه تحلیل در نظر گرفته و تحلیل محتوایی شده‌اند.

الگوی نظری

تئو ون لیون (Theo Van Leeuwen) از منظر تحلیل گفتمان به فرایندهای خلق و تولید مشروعیت نگریسته، مبنای الگوی نظری خویش را بر پیش‌فرض ماکس وبر در مفهوم «مشروعیت» قرار داده است. وبر معتقد بود: «هر نظام سلطه‌ای مبادرت به ایجاد و توسعه مشروعیت خویش می‌نماید» (weber, 1977, p355). از نظر ون لیون، زبان مهم‌ترین ابزار برای این اقدام است (Van leeuwen, 2008, p107). تکیه اصلی مقاله بر پردازش نظری‌ای است که ون لیون در خصوص مفهوم مشروعیت انجام داده است.

ون لیون چهار نوع اصلی مشروعیت را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

- مشروعیت مبتنی بر اعتبار که به‌معنای مشروعیت‌بخشی با ارجاع به اقتدار سنت، آداب و رسوم، قانون یا شخصی است که دارای اقتدار نهادی از این نوع



است.

- ارزش‌گذاری اخلاقی، یعنی مشروعیت‌بخشی با ارجاع به نظام‌های اخلاقی.
- عقلایی کردن که عبارت است از مشروعیت‌بخشیدن با ارجاع به اهداف اعمال اجتماعی مبتنی بر نهادهای اجتماعی و ارجاع به دانش‌های اجتماعی که به آن اعمال ارزش شناختی می‌بخشند.
- اسطوره‌سازی که عبارت است از مشروعیت‌بخشیدن از طریق روایات و قصه‌هایی که نشان می‌دهند اعمال مشروع شایسته پاداش و اعمال نامشروع مستوجب تنبیه‌اند.

ممکن است این اشکال مشروعیت‌بخشی به‌طور جداگانه یا در ترکیب با یکدیگر رخ دهد. به‌علاوه، مشروعیت‌بخشی آنها ممکن است به‌منظور مشروعیت‌زدایی یا انتقاد نیز به کار رود. آنها ممکن است بزرگ‌ترین بخش از موارد ویژه یک متن یا گفت‌وگو را اشغال کنند که به‌سختی به چیزی ارجاع دهند که آن چیز مشروعیت‌یافته تلقی شود. یا اینکه ممکن است به‌صورت خیلی جزئی در میان روایت‌های توصیفی و تجویزی از پرکتیس‌ها یا نهادهای اجتماعی وجود داشته باشند که واقعاً مشروعیت یافته‌اند (Wodak, 1995, Van leeuwen).

مشروعیت مبتنی بر اعتبار

اگر مشروعیت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های صریح و ضمنی «چرا» باشد؛ مانند اینکه چرا من باید این کار را انجام دهم یا چرا باید این کار را به این شکل انجام دهم، یک پاسخ به این پرسش این است که «زیرا من چنین می‌گویم»، در جایی که «من» کسی است که نوعی از اقتدار به وی تفویض شده است. این اقتدار که به شخص به سبب داشتن فضیلتی خاص اعطا می‌شود، شش نوع جزئی‌تر دارد که عبارت‌اند از:

اولین نوع آن، مشروعیت مبتنی بر اقتدار شخصی است. مشروعیت این نوع اقتدار به دلیل موقعیت و شأن یا نقش افراد در نهادهای اجتماعی به آنها تفویض می‌شود؛ مانند والدین یا معلمان در برابر فرزندان. بنابراین، چنین سلطه‌هایی به‌توسل به توجیه و ادله نیاز ندارد؛ چراکه آنها به دیگران برای انجام امور، جز در گفتن اینکه «به این دلیل که من این‌گونه می‌گویم» نیازمند نیستند. مثل همیشه، مشروعیت اقتدار فردی شکلی از «فرایند کلامی» را دربرمی‌گیرد که در آن عبارت طرح‌ریزی شده سخن‌دارای وجه اقتداری، شامل بعضی از اشکال قید التزام است.

دومین نوع، مرجعیت فرد متخصص است. در این نوع مرجعیت، تخصص، مشروعیت می‌آورد، نه جایگاه افراد. فرایند مشروع‌سازی فرد متخصص شکل «عبارات فعلی» یا «عبارات ذهنی» (مانند اینکه پروفیسور فلانی معتقد است ...) به خود می‌گیرد؛ درحالی‌که موضوع / فاعل آن عبارت فرد متخصص است.

نوع سوم، مرجعیت فرد الگوست که در آن، مردم از سرمشقی پیروی می‌کنند که از سوی افراد الگو یا رهبران افکار عمومی ارائه می‌شود. افراد الگو ممکن است اعضای یک گروه هم‌سال یا چهره‌های رسانه‌ای باشند که مردم دورادور و بدون اینکه با آنان تماس مستقیمی داشته باشند، از ایشان تقلید می‌کنند.

نوع چهارم، مرجعیت غیرشخصی است. از این منظر، این‌طور نیست که مشروع‌سازی مرجعیت همواره شخصی باشد. ما همچنین با انواعی از مرجعیت غیرشخصی مواجهیم؛ مانند مرجعیت قوانین، مقررات و احکام. در اینجا پاسخ به این پرسش ناگفته که «چرا باید این کار خاص را انجام دهیم؟» دیگر این نیست که «چون من این‌طور می‌گویم» یا «چون دکتر ژوان این‌طور می‌گوید» یا «چون شخص الگو این‌طور عمل می‌کند»، بلکه در پاسخ باید گفت «زیرا قوانین (اعم از احکام، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و غیره) این‌طور می‌گویند». نوع پنجم، مشروعیت مبتنی بر اعتبار مرجعیت سنت است. گرچه مرجعیت سنت در بسیاری از حوزه‌ها کاهش یافته است، همچنان به این نوع مرجعیت استناد می‌شود؛ به‌ویژه با به کار بردن واژگان کلیدی مانند «سنت»، «رسوم»، «عرف» و «عادت». در اینجا پاسخ آشکار یا ضمنی به آن پرسش پیش‌گفته، دیگر این نیست که این کار را انجام می‌دهم «چون اجباری است»، بلکه باید گفت «چون این کاری است که همیشه آن را انجام می‌دهیم».

در نهایت، نوع ششم از این نوع مشروعیت با عنوان مرجعیت هم‌رنگی با جماعت شناخته می‌شود. در این وضعیت، پاسخ به آن پرسش دیگر این نیست که «چون این کاری است که همیشه انجام می‌دهیم»، بلکه باید گفت «از آنجاکه این کاری است که تمام افراد دیگر هم انجام می‌دهند» یا اینکه «چون کاری است که اغلب مردم انجام می‌دهند». این رویکرد از یک مقایسهٔ ضمنی برمی‌خیزد: «چون هر کس دیگر همین کار را می‌کند، پس تو هم باید همین کار را بکنی» یا «از آنجا که اغلب مردم همین کار را می‌کنند، پس تو هم باید همین کار را بکنی» و هیچ استدلال بیشتری در کار نیست.

(Wodak, Van leeuwen, 1995, p105).



مشروعیت مبتنی بر اخلاق

به خلاف انواع دیگر که مشروع‌سازی آنها از سوی نوعی مرجعیت و بدون هیچ توجیه دیگری اعمال می‌شود، مشروع‌سازی ارزیابی اخلاقی بر اساس ارزش‌ها صورت می‌گیرد (Van leeu wen , 2008, p110). مشروع‌سازی گفتار از راه اخلاقی‌سازی بر سه نوع مبتنی است:

اولین نوع آن ارزیابی است. صفاتی که در ارزیابی به کار می‌روند، نقش مهمی در مشروع‌سازی ارزیابی اخلاقی ایفا می‌کنند. با وجود این، بسیاری از صفات هم‌زمان، هم «توصیفی» هستند، هم «اسنادی». این صفات، هم کیفیات انضمامی کارها یا اشیا را منتقل می‌کنند و هم از آنها در چارچوب محدوده‌ای از ارزش‌ها تعریف و تمجید می‌نمایند و بدین ترتیب، تعریف و تمجید از یک چیز با واقعی بودن آن آمیخته می‌شود. برای نمونه، جمله «این کاملاً طبیعی است که مدرسه رفتن در آغاز اضطراب‌آمیز باشد» می‌گوید پریشانی‌تان را دال بر نادرستی و نامشروع بودن آن موقعیت ندانید. این پریشانی «عادی»، «طبیعی» و «نشانه سلامت» است. این فرایند «طبیعی‌سازی» می‌تواند با ارجاع به اینکه دیگر زمان «تغییر» فرارسیده یا خود مفهوم «تغییر» نیز مشروعیت یابد.

شیوه دوم بیان ارزیابی‌های اخلاقی این است که به طریقی انتزاعی به اعمال و رسوم موردنظر (یا به یکی یا بیش از یکی از کنش‌ها یا واکنش‌های تشکیل دهنده آن) اشاره کنیم؛ به گونه‌ای که ویژگی‌ای از آنها به دست آوریم که آنها را به گفتمان‌های ارزش‌های اخلاقی پیوند دهد و با این کار آنها را «اخلاقی» نماییم. مثلاً به جای اینکه بگوییم «این کودک اولین بار است که به مدرسه می‌رود» بگوییم «این کودک به استقلال می‌رسد» که بدین طریق عمل مدرسه رفتن بر حسب گفتمان «استقلال» مشروعیت می‌یابد.

طریق معمول سوم برای بیان ارزیابی اخلاقی، قیاس است. مقایسه‌هایی که در گفتمان به کار می‌رود، تقریباً همیشه یا کارکرد مشروعیت‌ساز دارد یا مشروعیت‌زدا. در اینجا پاسخ ضمنی به این پرسش که «چرا باید این کار را انجام دهیم؟» یا «چرا باید این کار را به این شیوه خاص انجام دهیم؟» دیگر این نیست که «چون این کار خوبی است»، بلکه باید گفت «زیرا این کار به کار موردنظر دیگری شبیه است که ارزشمند است» یا در قیاس منفی باید گفت «زیرا این کار به آن کار موردنظری که ضدارزش است، شبیه نیست»

(Van leeu wen, 2001, p115).

مشروعیت مبتنی بر عقلانیت

می توان میان دو نوع عقلانیت تمایز گذارشت: عقلانیت ابزاری که امور را با ارجاع به غایتشان، کاربردشان و تأثیراتشان مشروعیت می بخشد و عقلانیت نظری که به امور با ارجاع به نظم طبیعی مشروعیت می دهد، ولی بسیار مستقیم تر و آشکارتر از طبیعی سازی ای که پیش تر درباره آن سخن گفتیم. در عقلانی سازی ابزاری، برای اینکه بتوان توضیح داد چرا امور اجتماعی وجود دارند و چرا بدین شکل خاص وجود دارند، غایت هایی همانند مشروع سازی ها در گفتمان وضع می شوند. هدف از مدرسه رفتن چیست؟ و هدف از اینکه به تحصیل در جامعه مان این شکل خاص را داده ایم، چیست؟ مسئله این است: آیا تمام اهداف موجود، مشروع ساز نیز هستند؟ خیر. برای اینکه مشروع ساز باشند، فرایند وضع هدف باید شامل عنصری از اخلاقی سازی باشد. اظهاراتی مانند اینکه این «کنش سودمند است» یا «این کنش به کار می آید» و مواردی چون این، همگی مشروعیت بخش و زاده سنت های فلسفی، از جمله فایده انگاری و پراگماتیسم مصلحت گرایی هستند؛ سنت هایی که از این مسئله دفاع می کنند که هدفمند بودن و سودمند بودن، ملاک های حقیقت و شالوده های رفتار اخلاقی هستند و نیز شالوده های رفتاری که معیار آن هم رنگی با جماعت است، به شمار می آیند.

درباره جهت گیری غایت باید گفت اهداف «در میان خود مردم» ساخته و پرداخته می شوند؛ خواه به دلیل انگیزه ها، مقاصد، نیت و غایات آگاهانه یا ناآگاهانه. این مسئله مستلزم این است که الف) دقیقاً معلوم شود کدام عامل یا کارگزاری می خواهد به نمایندگی از کنش گر هدفمند کاری را انجام دهد؛ ب) کنش هدفمند و خود هدف عامل واحد داشته باشند و اگر هدف یک موقعیت است، شخصی که آن موقعیت به او مربوط می شود، خودش نیز عامل کنش هدفمند باشد. به عبارت دیگر، فرمول آن چنین است «من ج را انجام می دهم (یا «من ج هستم» یا «من ج دارم») تا د محقق شود». برای مثال «معلم جین به چشم های او نگاه کرد و لبخند زد تا الفت و علقه ای میان او و جین پدید آید» و نهایت اینکه، جهت گیری اثر در واقع بر نتیجه کنش ها تأکید می ورزد. در اینجا به مسئله هدفمندی از آن طرف نگریسته ایم؛ یعنی به عنوان چیزی که وقتی بازمی گردیم و نگاه می کنیم، متوجه می شویم محقق شده است، نه به عنوان چیزی که از همان ابتدا طرح ریزی شده است یا می توانسته طرح ریزی شده باشد. آن هدفمندی هایی که از همان ابتدا طرح ریزی شده اند، ممکن است بتوانند نتیجه را پیش بینی کنند، ولی



نمی‌توانند کاری کنند که آن نتیجه حتماً محقق شود. اما به این شیوه که ما نظر می‌کنیم، هیچ تفاوتی وجود ندارد میان عامل کنشی که قرار است هدف آن در آینده محقق شود و عامل کنشی که هدف را خودش محقق می‌سازد. برای مثال «کودک شما باید پیاموزد که پرخاشجویی‌اش را کنترل کند، تا از سوی دیگران پذیرفته شود».

درباره عقلانی‌سازی نظری، اساس مشروع‌سازی دیگر این نیست که آیا کنش موردنظر به لحاظ اخلاقی موجه شده است یا نه. همین‌طور، اساس آن، این نیست که آیا هدفمند یا اثرگذار است یا نه، بلکه اساس آن این است که ببینیم آیا بر نوعی حقیقت بنا می‌شود یا نه؛ یعنی بر این اساس که «اوضاع و شرایط واقعاً چگونه‌اند». بنابراین، عقلانی‌سازی نظری با مقوله طبیعی‌سازی ارتباط نزدیکی دارد، ولی درحالی‌که طبیعی‌سازی به راحتی و با اطمینان می‌گوید برخی اعمال یا کنش‌ها «طبیعی» هستند، مشروع‌سازی نظری تصویر روشنی از اینکه «اوضاع و شرایط واقعاً چگونه‌اند» به دست می‌دهد. معمولاً مشروع‌سازی نظری به سه شکل مطرح می‌شود:

اول به شکل تعریف (Definition) که در آن یک فعالیت برحسب فعالیت دیگری که اخلاقی شده است، تعریف می‌شود. برای اینکه تعریف واقعاً یک تعریف باشد، باید هر دو فعالیت، فعالیت عینی‌شده و رایج (شناخته‌شده) باشد و اتصال میان آنها باید یا توصیفی باشد (مثلاً از افعال «است»، «مساوی است با» و مانند آن استفاده کند) یا دلالتی (که از افعالی مانند «بدین معناست که»، «نشانه این است که»، «حاکم است از اینکه» و مانند آن بهره برد). جمله «مرحله انتقال یک مرحله ضروری برای باتجربه شدن کودک نابالغ است» مثال خوبی در این راستاست.

شکل دوم مشروع‌سازی، تبیین (Explanation) است. در این مورد، این عمل نیست که تعریف یا مشخص می‌شود، بلکه کنش‌گر یا کنش‌گران هستند که تعریف می‌شوند. در اینجا پاسخ به پرسش «چرا باید این کار را انجام دهیم؟» چنین است: «زیرا انجام کارها بدین گونه با طبیعت کنش‌گران موردنظر متناسب است». رایج بودن باز هم در اینجا مسئله‌ای اساسی است. در اینجا تبیین‌ها در واقع طرز تلقی‌های همگانی و فعالیت‌های مرسوم آن دسته از کنش‌گرانی را که مورد بحث هستند، تشریح می‌کند.

آخرین شکل مشروع‌سازی نظری، پیش‌بینی (Prediction) است. اگرچه مرجعیت حلقه‌ای به دور پیش‌بینی‌ها ساخته و آنها را در انحصار خود دارد، دیگران نمی‌خواهند این پیش‌بینی‌ها بر اساس مرجعیت شکل بگیرد، بلکه می‌خواهند بر اساس مهارت و خبرگی

صورت پذیرد و به همین دلیل می‌توان با توسل به تجربه‌هایی در تضاد با پیش‌بینی‌های انجام‌شده، از پذیرفتن آن پیش‌بینی‌ها سرباز زد. البته حتی اگر این کار را هم نکنیم، دست‌کم در این شرایط بنا بر قاعده می‌توان آنها را نپذیرفت. به این مثال توجه کنید: «هرگاه خودتان یا فرزندتان گریه کردید، نگران نشوید؛ چندان طول نخواهد کشید».

(Van Leeuwen, 2008, p115-117)

مشروع‌سازی مبتنی بر اسطوره

راه دیگر مشروع‌سازی، داستان‌سرایی است. در حکایت‌های اخلاقی، قهرمان داستان به دلیل التزام به اعمال اجتماعی مشروع یا احیای نظم مشروع سزاوار پاداش می‌شود. برای مثال، در داستان‌هایی دربارهٔ نخستین روز مدرسه رفتن، کودکان باید با ضربهٔ روحی ناشی از جدا شدن از امنیت خانه روبه‌رو شوند، ولی سپس، یعنی پس از گذشتن از برخی موانع، آنان بر این ضربهٔ روحی چیره می‌شوند و پایان خوشی را تجربه می‌کنند. داستان‌ها می‌توانند از کنش‌های نمادین (سمبلیک) نیز بهره بگیرند؛ کنش‌های خاصی که با وجود اینکه نمادین‌اند، می‌توانند بیش از یک حوزه از عمل اجتماعی نهادینه شده را نشان دهند، و به همین دلیل یک «مدل رمزی از کنش اجتماعی» می‌سازند (Wright, 1975, p188).

یافته‌های تحقیق

گفتمان جنگ را می‌توان در سه ژانر دفاع (مقاومت)، جهاد و صلح بررسی کرد. هر کدام از ژانرها دربرگیرنده تحلیل محتوای درون‌متنی، میان‌متنی، بافت موقعیتی و بافت تاریخی هستند. همچنین تحلیل محتوا، امکان استخراج استراتژی‌های گفتاری خلق مشروعیت سیاسی و نیز فراوانی شیوه‌های مشروعیت‌بخشی به‌کاررفته در هر یک از ژانرها را فراهم می‌آورد.

ژانر مقاومت

جنگ به‌مثابه یک واقعیت به وقوع مجموعه‌ای از واکنش‌ها و رخداد‌های کلان اجتماعی و سیاسی انجامید که شباهت فراوانی به اعمال و کنش‌های انقلابی داشتند. در نتیجه، زمینه برای احیای شبکه‌بندی مفاهیمی که گفتمان انقلاب اسلامی را صورت‌بندی کرده بودند، دوباره فراهم شد. مهم‌ترین این کنش‌ها، حضور گسترده مردم از اقشار و طبقات متفاوت اجتماعی در جنگ بود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را شکل‌گیری نیروی مقاومت مردمی در برابر یک تهاجم دانست. به عبارت دیگر، مهم‌ترین پیامد رخداد جنگ را در نخستین ماه‌ها می‌توان قدرت بسیج عمومی آن دانست. فضای اجتماعی شکل‌گرفته ناشی از این بسیج



عمومی، به ظهور کلام قدرتمند و پشتیبان وضعیت جدید نیازمند بود. زبان در وضعیت جدید لزوماً می‌بایست با پیروی از شرایط عینی موجود، شبکه‌ای از معانی و مفاهیم را به‌عنوان منبع حمایتی برای این واکنش اجتماعی تولید می‌کرد.

ژانر دفاع یا مقاومت، شامل مجموعه متونی است که در سال‌های ابتدایی جنگ و به‌طور مشخص از شهریور ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۱ در فضای سیاسی تولید شده است. تنوع و گستردگی متون در این ژانر، یادآور تکثر موجود در متون مربوط به گفتمان انقلاب است. همچنین نقطه کانونی آنها، تذکر اهمیت دفاع از کشور به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه ملت و سیاست‌مداران است. این متون عمدتاً از جنگ به‌عنوان عاملی برای مطلقیت بخشیدن و تأکید بیشتر بر اهداف نظام سیاسی استفاده کرده‌اند. همچنین در این متون به برجسته‌سازی شدید ارزش‌ها و ایده‌آل‌های انقلاب و اهداف الهی و آسمانی آن تأکید و در نهایت، از رفتارهای ناهم‌رنگ و ناهماهنگ با اهداف جنگ ارزش‌زدایی شده است. برای بررسی بافت درون‌متنی این ژانر، نمونه زیر را بررسی کرده‌ایم:

متن شماره ۱: پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ شهریور ۱۳۵۹/۶/۱۷

... دشمنان ما گمان می‌کردند با توطئه‌های فرسایشی می‌توانند نهضت اسلامی و انقلاب شکوهمند این ملت شهید پرور را به سردی و سستی سوق دهند، غافل از آنکه قیامی که برای خداست و نهضتی که بر اساس معنویت و عقیده است، عقب نشینی نخواهد کرد. ... ملت عزیز ما آن روز که جز مشت خالی و خون پاک هیچ نداشت، بر قدرت‌های عظیم شیطانی با فریاد الله اکبر غلبه کرد و امروز بحمدالله تعالی جوانانی رزمنده از خواهران و برادران دارد که با تعلیمات نظامی در سرتاسر کشور، قدرت تفکر را از دشمنان ایران و اسلام سلب و با اعتماد به قدرت الهی و فداکاری در راه اسلام بر همه مشکلات و همه قدرت‌های شیطانی غلبه خواهند کرد. ملتی که ۱۵ خرداد روز خون و ۱۷ شهریور روز نوید پیروزی خون، جمعه سیاه روزی رژیم را با افتخار و پیروزی پشت سر گذاشته است، از این محاصرات نظامی و اقتصادی باکی ندارد. آنان باک دارند که اقتصاد را زیرینا و شکم را قبله‌گاه و دنیا را مقصد و مقصود می‌دانند. هان ای ملت سلحشور! برای مقابله با قدرت‌های نظامی ابرقدرتان آماده باشید! و ای قوای مسلح که سربازان اسلام و پیشمرگان هدف و نگهبان کشورید! مجهز باشید هم به صلاح و هم به سلاح و هراس و خوف به خود راه ندهید که خداوند تعالی پشتیبان و ملت بزرگ هوادار شماست ...

بیشتر جملات متن به شیوه ارزش‌گذاری اخلاقی، مشروع‌سازی گردیده و متن مبتنی

بر عاطفی‌گری و توجه به احساسات دینی نگاشته شده است. همچنین گوینده چندین بار به وقایع تاریخ انقلاب اشاره کرده که پیروزی انقلاب اسلامی و نیز وقایع ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور از آن جمله‌اند. همچنین، برای رخدادها و کلمات، معناهای جدیدی خلق می‌شود؛ زیرا آنها در موقعیت جدیدی به کار گرفته می‌شوند که با موقعیت قبلی تفاوت دارد. در اینجا برای توجه دادن به اهمیت جنگ و ایجاد بسیج عمومی برای حفظ ساختار سیاسی و جلوگیری از سقوط آن در اثر تجاوز نظامی، به رخدادهایی که برهم زنده وضع موجود در دوره انقلاب بودند، اشاره می‌شود، ولی این بار با ارجاع به همان وقایع، از کنش‌گران عام خواسته می‌شود در حفظ وضع موجود گام بردارند. چنین معناسازی نویی با تعریف یک غیریت جدید امکان‌پذیر می‌شود. از این رو، می‌توان از استراتژی تفکیک (بازغیریت‌سازی) به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نوع استراتژی در این متون نام برد. نویسنده با به کار بردن این استراتژی، از خلال تعریف غیریت‌های جدید، امکان معناسازی جدید را برای رخدادهای تاریخی و به‌کارگیری آنها برای موقعیت‌ها و اهداف نو پدید می‌آورد.

متن شماره ۲: پیام امام خمینی به ملت ایران ۱۳۵۹/۷/۱

باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچک‌ترین تخلف انجام گیرد و متخلفین با سرعت و قاطعیت تعیین و مجازات شوند. ... رادیو و تلویزیون موظف‌اند اخباری را نقل کنند که صددرصد صحت آن ثابت می‌باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان، اخبار را از غیرمنابع موثق نقل نمایند. ... نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه‌سازی می‌زنند، از هر قشر و گروهی که باشند، فوراً دستگیر و به دادگاه‌های انقلاب تسلیم و دادگاه‌های مذکور آنان را در حد ضدانقلابیون مجازات نمایند. ... روزنامه‌ها در وضع فعلی موظف‌اند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می‌نماید، جداً خودداری نمایند که امروز تضعیف این قوا عقلاً و شرعاً حرام و کمک به ضدانقلاب است. من کراراً از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده‌ام و امروز که آنان در جبهه جنگ با صدام کافر هستند، تشکر می‌کنم و از زحمات آنان قدردانی می‌نمایم و از خداوند متعال توفیق و پیروزی برای آنان طلب می‌نمایم. ... اکیداً همه قشرهای ملت و ارگان‌های دولتی موظف شرعی هستند دست از مخالفت‌های جزئی که دارند، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند.

توجه به بافت غالب متن، این نکته را آشکار می‌سازد که شیوه مشروع‌سازی مبتنی بر

۸۱ اعتبار است. متن دارای وجه رسمی است و موقعیت گوینده در متن به‌عنوان یک ناظر



قابل بررسی است. متن به صورت آمرانه بیان شده است. در این متن دستگاه‌های تولید و انتشار محتوا، مخاطبان اصلی هستند. این پیام هفت ماده‌ای شامل دو بخش اصلی است: ابتدا خطاب به نهادها و دوم خطاب به دستگاه‌های انتشار پیام و اخبار. نهادها شامل نهادهای قدیمی و به جای مانده از نظام سابق، مانند ارتش، رادیو و تلویزیون است و نیز نهادهای جدید مانند شورای فرماندهی جنگ با ساختار جدید و نیروهای انتظامی که احتمالاً منظور کمیته انقلاب، سپاه پاسداران و دادگاه‌های انقلاب هستند. درباره دستگاه‌های انتشار کلام و محتوا نیز باید از رسانه‌های گروهی، مانند مطبوعات و صداوسیما و نیز گفت‌وگوها و محاورات عمومی در اجتماع نام برد. در این متن، نهاد دولت تنها در بند هفتم و پس از واژه «همه اقشار ملت» مخاطب شده است. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه و موقعیت ضعیف و غیرقابل اعتماد دولت بنی‌صدر نزد رهبری باشد.

در این متن افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که در روند جنگ اخلاقی می‌کنند، با عنوان «ضدانقلاب» نامیده می‌شوند و بنابراین، می‌توان از استراتژی ارجاعی (مرجع‌سازی) سخن گفت. این استراتژی ناظر بر مشروع‌سازی همه تصمیم‌ها و سیاست‌های جنگی با ارجاع به تقسیم‌بندی انقلابی / ضدانقلابی است. طی این استراتژی، تمامی کنش‌ها و گفتارها با هدف حمایت از دفاع، در راستای اهداف انقلاب تعریف می‌شود و زیر سؤال‌برندگان این اصل بدیهی و اخلاقی‌گرا در آن، ضدانقلاب به شمار می‌آیند. استراتژی دیگر، استراتژی مشروعیت مضاعف است. امام در مقام رهبر انقلاب، رهبر نظام جمهوری اسلامی و نیز مرجع تقلید، برخوردار از مشروعیت دینی، مردمی و سیاسی بود. بهره‌گیری از این منابع مشروعیتی در هردو متن به روشنی قابل مشاهده است. برای نمونه، جمله «باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچک‌ترین تخلف انجام گیرد و متخلفین با سرعت و قاطعیت، تعیین و مجازات شوند» قدرت سیاسی و قانونی گوینده را می‌رساند که وی را به بهره‌گیری از وجه آمرانه در گفتار توانا می‌سازد. جمله «امروز تضعیف این قوا عقلاً و شرعاً حرام و کمک به ضدانقلاب است» ناظر به امکان صدور فتوا از جایگاه یک فقیه و مجتهد است. جمله «هان ای ملت سلحشور! برای مقابله با قدرت‌های نظامی ابرقدرتان آماده باشید» ناظر به به کارگیری سرمایه موجود از انقلاب است که گوینده به عنوان راوی مسلط به روایت آن را نقل می‌کند و از مخاطب می‌خواهد همان گونه که در عمل انقلابی مشارکت داشتند، در جنگ نیز آماده فراخوان قیام باشند. «تشویق و تهییج» نوع دیگری از روش‌های مشروع‌بخشی به کلام در این متن را بازمی‌نمایاند. طی این

استراتژی از کلام به عنوان ابزار تهییج عمومی برای دفاع از میهن در برابر تجاوز استفاده می‌شود. در این وضعیت، شخص در موقعیتی قرار می‌گیرد که جز اقدام عملی از راه بسیج عمومی، راه دیگری برای حفظ موجودیت ساختار سیاسی باقی نمانده است.

اهداف	شیوه‌ها	استراتژی‌ها
فعال نمودن غیریت‌سازی	تعریف معنای جدید برای استعاره «غیر»	بازدیگرسازی
مشروع‌سازی همه تصمیم‌ها و سیاست‌ها با ارجاع به یک مبدأ	تعریف همه پراتیک‌ها با اتصال به یک مفهوم مرکزی	مرجع‌سازی
تأکید بر اهمیت محتوای کلام	بهره‌گیری از چند روش مشروعیت‌ساز در یک جمله	مشروعیت مضاعف
تصویرکردن آینده آرمانی جنگ	استفاده از عبارات تسلی‌بخش متضاد با واقعیت عینی	چشم‌اندازسازی

جدول شماره ۱: انواع استراتژی‌های گفتاری در ژانر مقاومت

برای بررسی بافت میان‌متنی این ژانر، ده متن از مجموعه گفتارها و مکتوبات کنش‌گران ارشد میدان سیاسی در خلال سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ انتخاب شده است.^۱ از

۱. متن شماره ۱: پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ شهریور، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۶۵.

متن شماره ۲: پیام امام خمینی به ملت ایران ۱۳۵۹/۷/۱، همان، ص ۹۴.

متن شماره ۳: فرمان امام خمینی درباره هماهنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ۱۳۵۹/۷/۲۰، همان، ص ۱۱۷.

متن شماره ۴: پیام امام خمینی به مناسبت عید قربان ۱۳۵۹/۷/۲۷، همان، ص ۱۰۶.

متن شماره ۵: بیانات در جمع مسئولان بنیاد مستضعفان ۱۳۵۹/۱۱/۱۵، همان، ج ۱۴، ص ۴۰.

متن شماره ۶: بیانات در جمع مردم ۱۳۶۰/۴/۸، همان، ج ۱۵، ص ۶۶.

متن شماره ۷: بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه ۱۳۶۰/۳/۲۹.

متن شماره ۸: بیانات امام خمینی درباره خیانت لیبرال‌ها ۱۳۶۰/۳/۲۹، گذری بر دو سال جنگ، دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱.

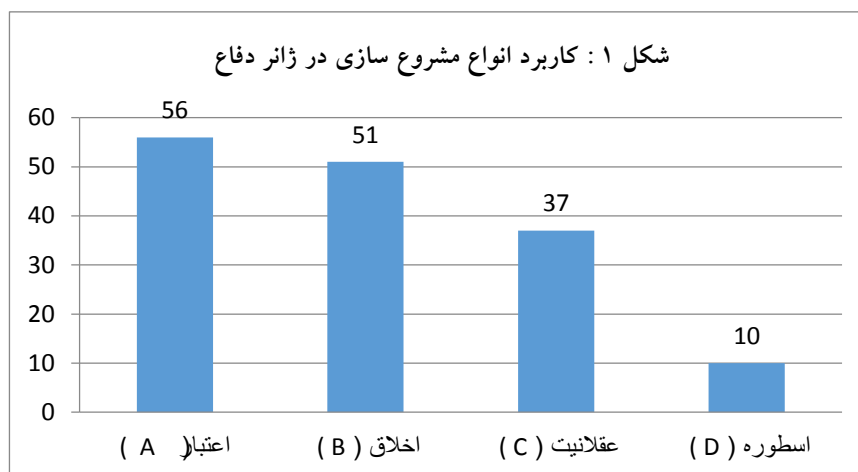
متن شماره ۹: بیانات شهید بهشتی در جلسه حزب جمهوری اسلامی ۱۳۵۹/۱۲/۱۰.

متن شماره ۱۰: بیانات آیت‌الله هاشمی در نماز جمعه درباره خیانت‌های بنی صدر ۱۳۶۰/۵/۲.





مجموع ۱۵۱ جمله / عبارت از این متون ، ۵۵ جمله /عبارت از طریق مشروع سازی مبتنی بر اعتبار بیان شده و ۵۱ جمله / عبارت نیز به شیوه ارزش گذاری اخلاقی مشروع سازی گردیده‌اند. عقلانی سازی نیز شیوه پرکاربردی بوده که این مدعا با وجود ۳۷ جمله / عبارت اثبات می‌شود و در نهایت ده جمله /عبارت از بافتی اسطوره‌ای و روایت گونه برخوردارند. ارزش گذاری اخلاقی، شیوه پرکاربردی در این ژانر به شمار می‌رود؛ زیرا بر مبنای آن مرزبندی و تفکیک میان دوست / دشمن و خیر / شر برقرار می‌شود. ناگفته پیداست جنگ به‌عنوان مهم‌ترین مفهوم مرکزی در شبکه معنایی‌ای قرار می‌گیرد که قرار است گفتمان پساانقلابی را شکل دهد. در این وضعیت و موقعیت، پیکار علیه جبهه خصم به معیار تشخیص حق علیه باطل تبدیل می‌شود. نظام سیاسی نوپا که درگیر تهاجم به مرزهای خویش می‌شود و به حدود پانزده هزار کیلومتر از خاک آن تجاوز می‌گردد، چاره‌ای جز دفاع ندارد. از این رو، به‌طور طبیعی «جنگ» به یکی از مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته در گفتارهای عاملان و کنش‌گران سیاسی تبدیل می‌شود و همگی این کنش‌گران باید موضع خویش را درباره این وضعیت مشخص کنند. از این رو، رهبری نظام سیاسی به دلیل جایگاه بالادستی خویش در ساختار سیاسی، توجه و تأکید ویژه‌ای بر این مسئله دارد. در گفتار ایشان جنگ با دشمن مهم‌ترین اولویت سیاسی در نظر گرفته شده است. در این شرایط، مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی مرز میان خود و دیگری، جنگ است. غرب در کلیت آن، به‌عنوان حامی صدام در جبهه خصم و در کنار عراق قرار می‌گیرد و ایران در کنار دیگر مظلومان و مستضعفان جهان، از جمله ملت عراق بازنمایی می‌شود. از این رو، مهم‌ترین ابزار این بازنمایی، اخلاقی سازی است. همچنین مشروعیت مبتنی بر اعتبار نیز حجم بالایی از مشروع سازی‌ها را به خود اختصاص داده است. این گونه عبارت‌ها غالباً با لحنی نصیحت گونه از سیاسیون خواسته با کنار گذاشتن اختلاف‌های جزئی، به مسئله جنگ بپردازند. یا اینکه به شکلی حماسی، از مردم دعوت شده فریضه جهاد را به‌جا آورند.



ژانر جهاد

پس از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ بخش وسیعی از خوزستان آزاد شد، ولی حدود هزار کیلومتر از خاک ایران همچنان در اشغال ارتش متجاوز باقی مانده بود. تصمیم برای ادامه جنگ یا توقف آن، مهم‌ترین تصمیم سیاسی در این دوره به‌شمار می‌آید. با وقوع جنگ، در روزهای اولیه کنش‌گران سیاسی در برابر وضعیت عینی تحمیل‌شده قرار گرفتند و ناچار از تصمیم‌گیری و واکنش سیاسی شدند. اما پس از فتح خرمشهر، به‌نوعی تصمیم سیاسی بر رخدادهای عینی مربوط به جنگ مقدم بود. در واقع در این دوره ذهنیت سیاسی موجب شکل‌گیری وقایع عینی بعدی شمرده می‌شود. متونی که در این دوره تولید شده‌اند، در تبیین دلایل تصمیم به تداوم جنگ به‌جای پایان آن می‌کوشند. کارکرد عمده متون این ژانر در کلی‌ترین حالت عبارت‌اند از: خواست سیاسی برای احترام به روابط سیاسی نهادینه‌شده جدید به دلیل نقش آنها در تثبیت فضای سیاسی و پیروزی‌های به‌دست‌آمده در جنگ، شکل‌دهی به یک نظام‌نامه یا به عبارت بهتر، مرام‌نامهٔ مربوط به فعالیت‌های سیاسی مجاز در میدان نوپای قدرت و احترام به روابط شکل‌گرفته شده و تنوع و تکثر دیدگاه‌های کنش‌گران سیاسی دربارهٔ توقف یا تداوم جنگ. طبعاً، تصمیم به ادامه جنگ جزئی از تصمیم‌های کلان یک نظام سیاسی است و در حیطه اختیارات رهبری آن نظام قرار دارد. براین مبنا عمده متون بررسی‌شده در این ژانر، متون بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های امام خمینی در مقام رهبری جمهوری اسلامی هستند. این ژانر عموماً تا دو سال پایانی جنگ تداوم یافت. به عبارت دیگر، بازه زمانی این ژانر مربوط به خرداد ۱۳۶۱ تا اواخر ۱۳۶۵ است.





متن شماره ۳: بیانات در دیدار با مسئولان عالی‌رتبه نظام ۱۳۶۳/۹/۲۰

... جنگ‌های رسول اکرم، رحمتش کمتر از نصایح ایشان نبوده است. ... آنچه قرآن می‌گوید، این نیست، او می‌گوید: جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم؛ یعنی باید کسانی که تبعیت از قرآن می‌کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آنجایی که قدرت دارند، ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم برداشته بشود. این یک مرحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی؛ در آن محیطی که هست. جنگ‌های پیغمبر، رحمت بوده است بر عالم و رحمت بوده است حتی بر کفاری که با آنها جنگ می‌کرده است، رحمت است برای عالم، برای اینکه فتنه در عالم اگر نباشد، عالم در آسایش‌اند. اگر چنانچه آنهایی که مستکبرند، با جنگ سر جای خودشان بنشینند، این رحمت است برای آن امتی که آن مستکبر بر او غلبه کرده است. بر خود مستکبر رحمت است؛ برای اینکه اساس عذاب الهی بر اعمال ماست این طور نیست که این جنگ‌های پیغمبر مخالف با رحمة للعالمین داشته باشد، مؤکد رحمة للعالمین است. قرآن و کتاب الهی یک سفره گسترده‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند؛ منتها هر کس به وضعی استفاده می‌کند و عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند برای اینکه معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند...

در ژانر جهاد، بیشتر مشروعیت‌سازی‌ها بر مبنای ارجاع به سنت صورت گرفته است. اگرچه جمله‌ها در این متن به لحاظ شکلی به شیوه عقلانی‌سازی شباهت بیشتری دارد و بر تبیین و تعریف متکی است، به لحاظ محتوایی بر سنت اسلامی تکیه دارد. در اینجا منظور از سنت، مجموعه سیره و روش بزرگان دین و نیز احکام و مقررات دینی است. بنابراین، در اینجا نوعی تبیین سنتی وجود دارد که هم متکی بر عقلانی‌سازی و هم متکی بر گزاره‌های دینی است. به طور کلی، احکام فقهی تکیه‌گاه اصلی مشروعیت‌بخشی قرار گرفته‌اند تا استدلال‌های مشروع برای تداوم جنگ توضیح داده شود. این مسئله، تنها به استناد به احکام مانند جهاد و دفاع مربوط نیست، بلکه تفسیری استعلایی از آن نیز به شمار می‌رود که در آن پیاده کردن حکم الهی در قالب فقه، موجب کمال، بالندگی و رشد انسان در این دنیا می‌شود.

درباره اسطوره‌های مورد اشاره در این ژانر می‌توان اسطوره‌های دینی را برشمرد. در اینجا اسطوره‌سازی بیش از هر ژانر دیگری استفاده شده است. اسطوره‌سازی مبتنی بر روایت امام خمینی از شیوه زیست و حکومت نبوی است. امام خمینی، جنگ را بخشی از

فرایند تلاش برای شکل‌دهی به حکومت اسلامی بر مبنای حکومت رسول الله در عصر حاضر می‌داند. از این رو، الگوی اصلی ایشان در تشکیل حکومت اسلامی، حکومت رسول الله است؛ ساختاری متصل به وحی که مکتب انسان‌سازی است و به صورت جامع، هم در برگیرنده پاسخ به نیازهای فردی انسانی است و هم الزامات زیست اجتماعی انسان، مانند تشکیل حکومت را در بر می‌گیرد. بنابراین، سیره رسول الله مورد ارجاع امام واقع می‌شود. از این منظر انقلاب زمینه لازم را برای شکل‌دهی به حکومت اسلامی که این امکان را دارد که شبیه‌ترین حکومت به اسوه پیامبر شود، پدید آورده است و جنگ در امتداد این خط سیر دیده می‌شود.

این تفسیر رسالتی جهانی برای انقلاب متصور می‌شود و آن تشکیل و تثبیت حکومت اسلامی به عنوان الگویی در سطح منطقه میان مسلمانان و در سطح جهان است. بر این مبنا می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های این ژانر را رجوع گسترده به سنت دینی برای ارائه استدلال‌هایی در ضرورت تداوم جنگ و استفاده از جنگ برای گسترش حوزه گفتمانی و کلامی دانست. از این منظر، جنگ نه به عنوان جنگ میان دو کشور همسایه به دلیل اختلاف مرزی که جنگ میان دو جبهه کفر و اسلام بازنمایی شده است. بر این اساس، می‌توان مهم‌ترین استراتژی این ژانر را غایت‌سازی دانست. تلاش برای تعریف غایتی ایده‌آل و باشکوه برای کنش سیاسی در چارچوب این استراتژی تعریف می‌شود. ده متن به عنوان نمونه ارزیابی در این ژانر در نظر گرفته شده است^۱ که مؤید فراوانی کاربرد

۱ متن شماره ۱: بیانات امام خمینی در دیدار جمعی از مسئولان کشور در ۲۰/۹/۱۳۶۳، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۶۴۳

متن شماره ۲: بیانات امام خمینی در جمع کارکنان صداوسیما ۱۶/۵/۱۳۶۱، همان، ص ۳۴۲.

متن شماره ۳: بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه های کشور ۹/۶/۱۳۶۱، همان، ج ۱۷، ص ۵۴.

متن شماره ۴: پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی ۲۲/۶/۱۳۶۱، همان، ص ۷.

متن شماره ۵: دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی سراسر کشور ۹/۶/۱۳۶۱، همان، ص ۱۶.

متن شماره ۶: بیانات در جمع ائمه جمعه مراکز استان ها ۴/۸/۱۳۶۲، همان، ص ۱۴۳.

متن شماره ۷: بیانات در جمع مسئولان کشور ۹/۹/۱۳۶۴، همان، ج ۱۹، ص ۲۴۸.

متن شماره ۸: بیانات در جمع گروهی از مهاجرین جنگی ۱۳/۸/۱۳۶۱، همان، ج ۱۷، ص ۷۱.

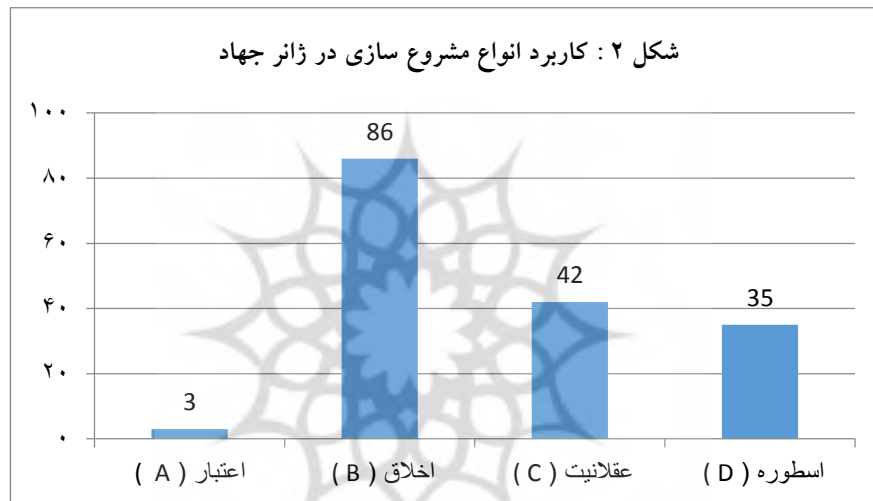
متن شماره ۹: بیانات در جمع گروهی از زنان در روز ولادت حضرت فاطمه سلام الله ۱۱/۱۲/۱۳۶۴، همان، ج ۱۹، ص ۲۸۱.

متن شماره ۱۰: بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۱/۱۲/۱۳۶۶، همان، ج ۲۰، ص ۱۸۶.

مشروعیت مبتنی بر اسطوره و سنت در این ژانر شمرده می‌شود.

اهداف	شیوه‌ها	استراتژی‌ها
مشروع‌سازی تصمیم	تلاش برای تعریف غایتی ایده‌آل و باشکوه برای کنش سیاسی	غایت‌سازی

جدول شماره ۲: انواع استراتژی‌ها در ژانر جهاد



ژانر صلح

این ژانر معرف متون سیاسی‌ای است که در دو سال انتهایی جنگ تولید شده است. این دوره دو ساله را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول مربوط به دوره‌ای است که همچنان بر تداوم جنگ تأکید می‌شود. این تأکید دلایل متفاوتی دارد؛ از جمله عدم اعتماد به مجامع بین‌المللی به دلیل عملکرد جانبدارانه به سود طرف مقابل و احتمال برهم‌خوردن توازن نیروهای سیاسی به دلیل سوءاستفاده از پایان جنگ و زیرسؤال بردن عملکرد نظام سیاسی در زمینه جنگ. همچنین، بخش دوم زمانی است که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد و مجموعه بیانیه‌ها و خطابه‌ها درباره دلایل پذیرش صلح و دستاوردهای جنگ صادر گردید. مهم‌ترین ویژگی این متون تکلیف‌گرایی و نمادسازی است. تکلیف‌گرایی تأکید بر ضرورت جنگ دفاعی و جنگ با جبهه کفر و نفاق چونان عمل به واجبات دینی است. از

نظر امام، جنگ نیز مانند تکلیفی دینی است: «... جنگی است که اسلام دارد در مقابل کفر، در مقابل نفاق و این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می‌کنند». (خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲۰، ص ۴۸) از سویی، نمادسازی نیز در این دوره به اوج خود می‌رسد. از سال ۱۳۶۵ به‌رغم موفقیت‌های نظامی ایران، همچنان فشار نظامی و سیاسی بر ایران به‌منظور دیکته کردن خواسته‌های طرف مقابل گسترش یافت و دامنه جنگ با حمله به مراکز و تأسیسات شهری و عمومی ایران از سوی صدام گسترده شد. تأکید بر مظلومیت ملت ایران و حقوق پایمال شده در اثر این جنگ، به ارجاع به واقعه کربلا و تأکید بر مظلومیت سیدالشهداء و سیره آن امام در متون سیاسی انجامید:

... و از ملت دل‌آور ایران نیز انتظاری جز ادامه راه حسین و زینب نیست که این راه را انتخاب کرده‌اند. ملتی که سالار شهیدان را پیشوای ایثار و فداکاری را سبب جاودانگی خود می‌دانند، از چه می‌ترسد و با چه کسی جز خدا معامله می‌کند (همان، ص ۶۰).

دعوت به اقتدا و پیروی از قیام و شهادت امام حسین علیه السلام در کلام حماسی شیعه همواره موجود بوده است و از ابتدای جنگ نیز این مسئله بارز است. اما از این دوره، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته که گویا مهم‌ترین دلیل آن، شرایط عینی حاکم بر میدان نبرد و عرصه سیاسی است. حتی امام آشکارا به این نکته اشاره کرده‌اند که هرگز مانند امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام صلح تحمیلی ناعادلانه را نمی‌پذیریم؛ زیرا همان‌گونه که برخی نزدیکان آنان را مجبور به پذیرش صلح نمودند، بعداً با ریاکاری آن بزرگان را متهم کردند. لذا روش ما، حسینی خواهد بود (همان، ص ۱۲).

متن شماره ۴: بیانات درباره دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۱۳۶۷/۴/۲۹

... امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و دیروز خدا آن‌گونه خواسته بود و فردا ان‌شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هرچه هست، ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم. در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار ناگوار و تلخی برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز پیش معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به‌واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دل‌سوزی آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. ... خوشا به حال



شما ملت ... و بدا به حال آنانی که در این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقادکننده و پرخاش گر گذشتند. آری، دیروز امتحانی بود که گذشت و فردا امتحانی دیگر است که در پی است ...

متن مربوط به قبول قطعنامه، در واقع مانیفست پایان جنگ به شمار می آید و مهم ترین متن این ژانر است. متن گویای این واقعیت است که هیچ گاه قبول صلح تحمیلی و ناعادلانه مورد پذیرش رهبر انقلاب نبوده است و در واقع ایشان با اشاره به فشارهای فراوان موجود، همچنان خواستار حفظ وضع موجود بوده است، ولی دلیل روشن و صریحی برای پذیرش قطعنامه بیان نمی شود. از این رو، از استراتژی ابهام برای استدلال سازی استفاده شده است:

من به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور را در اجرای آن می دیدم ... اما اکنون از ذکر حوادث خودداری می کنم ... و آن را به مصلحت انقلاب می دانم ... (همان).

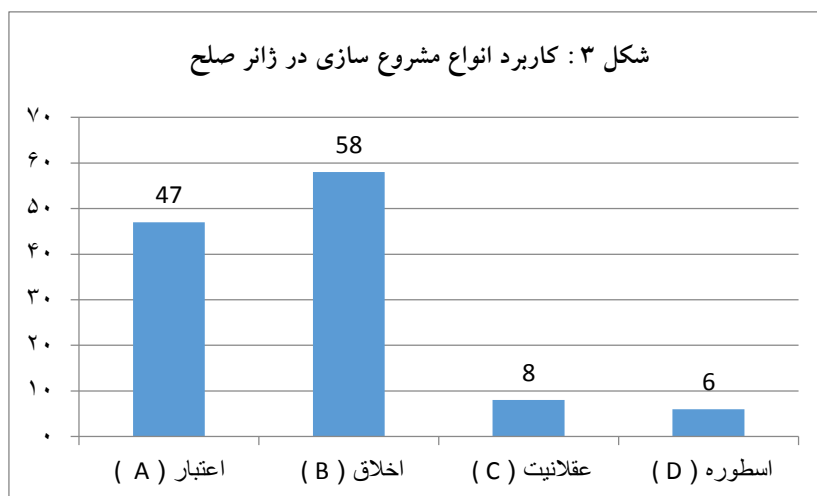
اما از ذکر عوامل و حوادث منجر به قبول قطعنامه خودداری می ورزد. با کاربرد این استراتژی، گسست معنایی که طی مدت کوتاهی به وقوع پیوسته است، جبران می شود. ایشان در ابتدای نامه تأکید می کند که تا چند روز پیش به همان شیوه سابق معتقد بودم، اما اکنون «روز دیگری است» (همان).

استراتژی دیگر، تکریم است. در متون این دوره، تکریم از تمام اشخاصی که در جبهه های جنگ حضور داشته اند، در ابتدا و انتهای متن آورده می شود. تکریم اشخاص همراه با آیات و روایات و نیز مفاهیم عرفانی و قدسی، مشروعیت بخشی گفتاری دوچندان به عمل آنان است. کارکرد این استراتژی در دفاع از سیاست های اعمالی در حوزه جنگ و رد نظر مخالفان است.

همچنین، می توان از استراتژی هدف گذاری سخن گفت. این استراتژی ناظر بر تعریف اهداف استعلایی و آرمان گرایانه برای جنگ با استفاده از واژگانی با بار معنایی گسترده است. برای نمونه، امام هدف از جنگ را دفع متجاوز، اثبات صلابت اسلام و تحقق روح اسلام انقلابی می داند (همان). مجموعه متون بررسی شده در این ژانر، مؤید این واقعیت است.

در مجموعه متونی که به عنوان نمونه‌های موردی در این ژانر بررسی شد^۱، شیوه ارزش‌گذاری اخلاقی با ۳۹ مورد، پرکاربردترین روش مشروعیت‌بخشی به گفتار است. به سبب پایان جنگ، جمله‌ها سرشار از مضامین عاطفی و اخلاقی در ستایش سربازان جنگ است. همچنین، شیوه ارزش‌گذاری، روشی کارآمد برای ارج نهادن به اهداف جنگ و انتزاعی کردن دستاوردها و نتایج جنگ است. شیوه مشروعیت‌بخشی مبتنی بر اعتبار و سنت نیز با فراوانی ۲۴ و ۲۲ در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. ارجاع به سنت و امریت دو وجه برجسته استدلال‌ها درباره مشروعیت تداوم جنگ است. از این منظر، به سبب اینکه قبول صلح در صدر اسلام از سوی ائمه اطهار، مانند امام علی علیه السلام در صفین و امام حسن علیه السلام در برخورد با معاویه معمولاً در شرایط تحمیلی و از سوی جبهه نفاق و با دورویی صورت پذیرفته و بعدها زیر پا گذاشته شده است، منبع تاریخی و سنتی قوی و خوشایند مشروعیت‌بخشی برای قبول صلح و پایان جنگ در دسترس نبوده است. بنابراین، ارجاعات به سنت صلح در اسلام، عمدتاً به عنوان هشدار به صلح‌طلبان مبنی بر خطر پایان دادن به جنگ به کاررفته است. همچنین ارجاع به سنت به عنوان تحقق اراده الهی و خواست خداوند در تداوم یا پایان دادن به جنگ صورت پذیرفته است.

۱. متن شماره ۱: بیانیه حضرت امام درباره دلایل قبول قطعنامه ۵۹۸، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- متن شماره ۲: بیانات امام خمینی درباره شرایط جبهه و جنگ ۱۳۶۵/۶/۲.
- متن شماره ۳: بیانات در دیدار گروهی از اعضای ارتش و سپاه ۱۳۶۵/۶/۱۸، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۸.
- متن شماره ۴: پیام امام خمینی به مناسبت روز انقلاب اسلامی ۱۳۶۵/۱۱/۱۶، همان، ص ۶۰.
- متن شماره ۵: بیانات امام خمینی خطاب به مراجع و روحانیون درباره آینده انقلاب، همان، ج ۲۱، ص ۹۴.
- متن شماره ۶: بیانات امام خمینی به مناسبت روز ارتش ۱۳۶۸/۱/۲۸، همان، ص ۱۱۷.
- متن شماره ۷: وصیت نامه امام خمینی، ۱۳۶۸/۳/۱۵، همان، ص ۱۷۲.
- متن شماره ۸: پیام امام به مناسبت کشتار خونین مکه، همان، ج ۲۰، ص ۲۳۴.



اهداف	شیوه‌ها	استراتژی‌ها
پرکردن گسست معنایی	اشاره ضمنی و مبهم به مدلول	ایهام
مشروعیت بخشی مضاعف به پراتیک جنگ	کاربرد مفاهیم عرفانی و قدسی درباره رزمندگان	تکریم
جلوگیری از وقوع حملات مخالفان با استناد به دلایل عینی	تعریف اهداف استعلایی و آرمان گرایانه برای جنگ با استفاده از واژگانی با بار معنایی گسترده	هدف گذاری

جدول شماره ۳: انواع استراتژی‌های به کاررفته در ژانر صلح

نتیجه

گفتمان دفاع مقدس نیز مانند گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه ارزش گذاری‌های اخلاقی شکل گرفت. ارزش گذاری‌های اخلاقی عمدتاً به ساخت هویت اجتماعی و سیاسی انسان پس‌انقلابی و به تبع آن جامعه اسلامی معطوف هستند؛ زیرا عمدتاً تکیه بر غیریت‌سازی و ایجاد مرز میان خود و دیگری مبنای کاربرد ارزش گذاری‌ها بوده است. همچنین کاربرد دیگر این شیوه مربوط به تکریم از پراتیک جهادی در میدان نبرد است. عموماً تمجید و تأیید رزمندگان حاضر در جنگ، بی‌نظیر است و اصولاً هیچ گروه اجتماعی دیگری به

اندازه حاضران در صحنه جنگ ستایش نشده‌اند. همچنین، کاربرد مشروعیت مبتنی بر اعتبار در این گفتمان وجه بالایی را به خود اختصاص داده است. اعتبار بر سنت موقوف به مشروعیت‌سازی‌ها بر مبنای ارجاع به شیوه زیست رسول الله در ساخت جامعه اسلامی مبتنی است. این مسئله حاوی نکته‌ای مهم است. جنگ در این گفتمان معیار قطعی و مشخص تشخیص مرز کفر از ایمان و دین از طاغوت در نظر گرفته شده است که مبنای تشکیل حکومت آرمانی اسلامی خواهد شد و یا اینکه در صورت شکست جنگ، همه این آرمان به فراموشی سپرده خواهد شد و شکست می‌خورد.

در این گفتمان، بهره‌گیری از اعتبار شخصی فراوانی بالایی دارد. امام خمینی در مقام مرجع تقلید شیعه، رهبر انقلاب اسلامی و رهبر جمهوری اسلامی دارای اقتدار قانونی، دینی و انقلابی بود که از آن در راه بسیج عمومی برای مهار بحران جنگ بهره برد. این بهره‌گیری به سه صورت است. اوامر قانونی رسمی به مقامات دولتی، درخواست از ملت برای بسیج عمومی، نصیحت به مخالفان سیاسی جنگ و گروه‌های درگیر سیاسی، سه وجه مهم استفاده از کلام آمرانه در گفتمان جنگ را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین محورهای جنگ را این‌گونه می‌توان تشریح کرد:

- استعلاسازی: زبان در گفتمان جنگ، وجهی استعلایی و ماورایی می‌یابد. امام، راهنمای کنش سیاسی و اجتماعی ملتی در نظر گرفته می‌شود که به دنبال تعیین هویت خویش از منظری الهی و دینی بود. ایشان به دنبال فراروی از تجربه‌های روزمره و عینی ساخت جامعه بر مبنای الهی با الگو قرار دادن تشکیل حکومت در صدر اسلام بود.

- اعتبار شخصی چندوجهی: یکی از خاص‌بودگی‌های گفتمان جنگ به جایگاه حضرت امام در مقام رهبر جامعه اسلامی بازمی‌گردد. همان‌گونه که پیش از این اشاره کردیم، مشروعیت کلام ایشان برگرفته از موقعیت انقلابی، قانونی و دینی بود. چنین موقعیتی امکان ساخت گفتمان دفاع مقدس را با پشتوانه‌ای از روایات دینی و تاریخ صدر اسلام، فرامین و اوامر قانونی و تفاسیر و ارجاعات به وقایع انقلاب فراهم آورد.

- مقاومت مردمی: گفتمان جنگ به‌ویژه در ژانر مقاومت به مقبولیتی در حد کلیت میدان اجتماعی دست یافت. در واقع گفتمان جنگ از حدود کنش‌های نظامی و سیاسی فراتر رفت و همه اجتماع را دستخوش تغییر قرار داد. از این‌رو، همه تحولات سیاسی، به‌ویژه تا سال ۱۳۶۱ مبنی بر شکل‌گیری ثبات ساختاری میدان سیاسی پشتوانه گسترده مردمی یافت.

اما مسئله این است که چگونه از ظرفیت گفتمان جنگ برای تولید مشروعیت در فضای سیاسی موجود می‌توان استفاده کرد. به نظر می‌رسد هر یک از ژانرهای تعریف‌شده در محدوده گفتمان جنگ، قابلیت تبدیل شدن به یک استراتژی بازتولید مشروعیت را دارند. به عبارت بهتر، هر ژانر می‌تواند در شرایط مورد نیاز پشتوانه معنابخشی به مجموعه‌ای از کنش‌های گفتاری باشد. ژانر دفاع در مواقعی که به ساخت یک گفتمان هویت مقاومت نیاز باشد، به کار می‌آید؛ یعنی در شرایطی که موجودیت نظام سیاسی در معرض تهدید وجودی قرار گرفته است، می‌توان از گنجینه معنایی و گفتمانی ژانر دفاع برای ساخت و تقویت مؤلفه‌های هویت ملی بهره جست. ژانر جهاد در شرایطی که نیاز به اولویت‌دهی تصمیم سیاسی در برابر عمل سیاسی وجود دارد، به کار می‌آید. در شرایطی که نظام سیاسی به ارائه تصویری از آینده و افق آرمانی و ایدئال برای پیروان نیاز دارد، می‌توان از مؤلفه‌های معنایی این ژانر بهره جست. در نهایت هنگامی که بحران‌های سیاسی، موجودیت نظام را تهدید می‌کند و نیاز به انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود دارد، می‌توان به ذخیره معنایی موجود در ژانر صلح تکیه کرد.



منابع

- آرتیمرمن، کنت (۱۳۷۶)، *سوداگری مرگ ناگفته‌های جنگ ایران و عراق*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- ابوغزاله، عبدالحلیم (۱۳۸۰)، *جنگ عراق و ایران*، ترجمه نادر نوروزشاد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- انسار، پیر (۱۹۸۹)، *ایدئولوژی‌ها، کشمکش‌ها و قدرت*، ترجمه مجید شریف، تهران: قصیده سرا.
- بنی‌لوحی، سیدعلی (۱۳۷۸)، *مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی*، تهران: انتشارات ایتا.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۵)، *اسلام سیاسی در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵)، «بیانات امام خمینی در دیدار گروهی از اعضای ارتش، صحیفه نور، ج ۲۰».
- درودیان، محمد، (۱۳۷۹)، *آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی): بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- _____ (۱۳۸۲)، *اجتناب ناپذیری جنگ*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- _____ (۱۳۷۹)، *پایان جنگ: بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- _____ (۱۳۷۸)، *جنگ بازیابی ثبات*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- _____ (۱۳۷۸)، *خرمشهر تا فاو: بررسی نظامی - سیاسی جنگ بعد از آزادی خرمشهر*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- _____ (۱۳۷۹)، *خونین شهر تا خرمشهر: بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آزادسازی خرمشهر*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویشی، فرهاد و گروه نویسندگان (۱۳۷۸)، *ریشه‌های تهاجم؛ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- طالع، هوشنگ (۱۳۷۹)، *تجاوز عراق خیانت خودی، حمایت بیگانه، لنگرود: نشر سمرقند*.
- ظفری، علی (۱۳۶۰)، *مواضع ما مواضع و اصول برنامه‌های حزب جمهوری اسلامی*، تهران: بی‌نا.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴)، *تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مختاری، مجید (۱۳۸۰)، *تأملی در جنگ ایران و عراق چند مسئله راهبردی (مجموعه مقالات)*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- مرندی، مهدی و داود سلیمانی، (۱۳۸۳)، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۶)، خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۰، تهران: دفتر نشر معارف با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- جنگ تحمیلی از شروع تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۱۳۹۳)، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- Van Leeuwen, Theo (2005), *Introducing Social Semiotics*, New York: Routledge.
- (2008), *Discourse and Practice New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Van Leeuwen, Theo; Machin, David (2007), *Global Media Discourse*. London: Routledge.
- Van Leeuwen, Theo; Wodak, Ruth (1999), "Legitimizing immigration control: a discourse-historical analysis", *Discourse studies*, 1(1), 83-118. <http://dis.sagepub.com/content/1/1/83>.
- (2007), "Legitimation in discourse and communication", *Discourse & Communication*, 1(1), 91-112. <http://dcm.sagepub.com/content/1/1/91>.
- Machin, David (2003), "Global schemas and local discourses", *Journal of Sociolinguistics*, 7(4), 493-512.
- Van Leeuwen, Theo (1995), "Representing social action", *Discourse and society*, 6(1), 81-106.
- Van Leeuwen, Theo; Wodak, Ruth (2002), "Discourses of un/employment in Europe: The Austrian case", *Discourse Studies*, 22(3), 345-367.
- Wodak, Ruth; Chilton, Poul (2005), *A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis Theory, methodology and interdisciplinarity*, Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Wodak, Ruth; Meyer, Michael (2008), *Critical Discourse Analysis: history, Agenda, Theory, and Method*.

